

از کارگران شادانپور و جامکو حمایت کنید



آذر مدرسی

جامکو محکوم کنیم. صرفنظر از اینکه این بخش خصوصی است که حقوق کارگران را نداده است یا بخش دولتی، این دولت است که در برابر کارگران مسئولیت دارد و کارگران بدرست مجلس

صفحه ۲

تترین سران حکومت و رسانه های دولتی مجبور شده اند در مورد این اعتراض اشک تمساح بریزند، جا دارد ما نیز متحدانه و در سراسر کشور به پشتیبانی از کارگران جامکو و شادانپور برخیزیم و با اعتصابات حمایتی و با صدور قطعنامه در مجامع عمومی، یکصدا خواهان پرداخت فوری و کامل همه دستمزدهای معوقه شویم و جمهوری اسلامی را بخاطر سرکوب کارگران شادانپور و

میکنند تا در عین حال شانه از مسئولیت خالی کنند. وحشت سران حکومت را در صحبت تک تک آنها میتوان مشاهده کرد. میگویند با توجه به بحران اقتصادی و با توجه به خطر تعطیل شدن بسیاری از مراکز دیگر ممکن است این اعتراضات کل طبقه کارگر را دربرگیرد و فراگیر شود. بیایید وحشت شان را به واقعیت تبدیل کنیم. حال که حتی کثیف ترین و مرتجع

رفقای کارگر
سرکوب مبارزه برحق کارگران شادانپور و جامکو توسط نیروهای سرکوب حکومت اسلامی، موجی از خشم و نفرت را در میان دهها میلیون انسان محروم و آزادیخواه دامن زده است. دستمزد ناچیز یک میلیون نفر را نداده اند و زندگی فلاکتباری را به طبقه کارگر تحمیل کرده اند. جناحهای رژیم هرکدام دیگری را مسئول این وضعیت قلمداد

"بحران کارگری" در برابر مجلس!

صفحه ۴

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید

صفحه ۳

فساد مالی در حکومت اسلامی،

شکاف طبقاتی و

گسترش مبارزات کارگری

اصغر گرمی



بخشی از خانواده های کارگری به معنی واقعی کلمه در حال نابودی هستند

اسلامی و همه نهادها و رسانه ها و مقامات را تکان داده و کشمکش جناحها را بر سر اعتراضات کارگران و بحران اقتصادی تشدید کرده است. تنها در چندماه گذشته، نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی چندین بار به تجمعات کارگران که عمدتاً در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و بییکارسازی بوده است، حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده اند. به گفته خود مقامات جمهوری اسلامی صدها هزار کارگر دستمزدهای

صفحه ۲

روز ۲۴ تیرماه کارگران خشمگین شادان پور و جامکو در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان، نرده های مجلس را از جا کردند و به تیراندازی هوایی توجیهی نکردند. محبوب نماینده مجلس و دبیر خانه کارگر که جرات کرد به میان کارگران برود هو شد و کروی مجبور شد جلسه مجلس را تعطیل کند و چند نفر از کارگران را در داخل مجلس ملاقات کند. این موضوع بعد از گذشت چند روز همچنان موضوع داغ رسانه های وابسته به حکومت اسلامی است. اعتراض کارگران، مجلس

قتل زنجیره ای در

مشهد سندی دیگر بر

محکومیت جمهوری اسلامی

آذر ماجدی



شد و اکنون هم که در جراید به آن اشاره میشود، قاتلین بخاطر "دینداریشان" تحبیب میشوند؟ آنجایی هم که به عدم پیگیری پرونده این جنایات انتقادی وارد میشود از این روست که "مجازات خودسرانه این زنان اعتبار جمهوری اسلامی را بخصوص در خارج کشور زیر سوال میبرد." از این زنان بعنوان زنان "بدکاره"، و "فاحشه" یاد میشود، و در چهارچوب فرهنگ و ارزشهای اسلامی و تحت حاکمیت جمهوری

صفحه ۲

جسد هجدهمین زن قربانی قتل های زنجیره ای که به قتل های عنکبوتی معروف شده روز دوشنبه در مشهد کشف شد. هجده زن طی یکسال بطرز فجیعی و به شکلی یکسان در مشهد بقتل رسیده اند. همه میدانند که قاتل یا قاتلین چه کسانیند، روزنامه ها در مورد آنها بدون ذکر نام حرف میزنند، ولی تاکنون کسی دستگیر نشده است. قاتل آزاد دنبال قربانی بعدی در خیابانها پرسه میزند. این قتلهای زنجیره ای نیز همچون سری دیگر قتلهای زنجیره ای، که اعتراضات نسبتاً گسترده ای را برانگیخت، توسط مامورین جیره و مواجب بگیر جمهوری اسلامی انجام شده است. اما چرا نسبت به این جنایات صدای اعتراضی بلند نشده است؟ چرا این جنایات تا مدتها با سکوت کامل روبرو

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ فساد مالی در حکومت اسلامی

خود را از چندماه تا دو سال و سه سال دریافت نکرده اند و در معرض بیکارسازی قرار گرفته اند. روشن است که خبری از بیمه بیکاری نیز در میان نیست. اعتراض در میان این بخش کارگران هرروز ابعاد تازه تری بخود میگیرد.

بر خانواده های کارگران چه میگذرد

آنچه جمهوری اسلامی و کارفرمایان موسسات خصوصی دولتی به سر کارگران آورده اند واقعا قابل توصیف نیست. طبق گفته خود مقامات حکومت اسلامی، خانواده های بسیاری از کارگران از هم پاشیده است، سوء تغذیه در خانواده های کارگری وحشتناک است، کم نیستند کارگرانی که بجای سه وعده غذا فقط یک وعده سبب زمینی میخورند، فقر بیداد میکند، بسیاری از فرزندان کارگران مجبور به ترک تحصیل شده اند و در خیابان گدائی میکنند، کارگران عمدتا مستاجرند و بخشی از آنها توسط صاحبخانه ها بیرون انداخته شده اند، عده ای به اعتیاد روی آورده اند، به گفته

رئیس زندانها "۱۲۰ هزار نفر از زندانیان را بیکاران تشکیل میدهند که بخاطر بیکاری دست به کارهای خلاف زده اند"، حتی برخی از کارگران مجبور به فروش کلیه خود برای تامین مایحتاج اولیه زندگی شده اند، دختران کارگران برای گذران زندگی مجبور به تن فروشی شده اند، آمار خودکشی در میان کارگران و بویژه نان آوران خانه ها مرتبا بالا رفته است. زندگی برای بخشهایی از کارگران یک جهنم واقعی شده است. خسارت مادی و معنوی به یک میلیون کارگری که حتی دستمزد ناچیزشان هم پرداخت نشده، تکان دهنده است.

آمارهایی از زبان حکومت اسلامی

روزنامه "کار و کارگر" وابسته به دولت ۱۴ تیرماه نوشت: تعداد بیکاران ۴ میلیون است، از این تعداد تنها ۸۵ هزار نفر تحت پوشش بیمه بیکاری قرار دارند. و خطر تعطیلی ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کارخانه بزرگ دیگر وجود دارد." در آمارگیری حکومت اسلامی، زنان بیکار هیچگاه شامل آمار بیکاران نمیشوند. میلیونها جوان جوئی کار نیز در این آمارگیری به حساب

آمار و ارقام حکومت اسلامی نوشت که ۲۰ درصد جامعه ۸۰ درصد ثروت را در اختیار دارد. این گوشه کوچکی از کيفخواست کارگران است. نسلی از مردم که از اعدامها، زندانها و جنگ ۸ ساله با عراق جان بدر برده اند، اکنون زیر فشار اقتصادی از نظر جسمی و روحی تباه میشوند. به معنی واقعی کلمه نسلی از کارگران و فرزندانشان در حال نابودی هستند.

کارگران مقاومت میکنند

کارگران در ابعاد گسترده ای در مقابل تحمیل این شرایط مقاومت میکنند. بویژه در سالهای اخیر اعتراضات کارگری مرتبا افزایش یافته است. به گزارش کاپیتورن از مه ۱۹۹۹ تا آوریل ۲۰۰۰ (اردیبهشت ۷۸ تا فروردین ۷۹) تعداد ۲۴۴ ناآرامی کارگری رخ داده که ۴۶ درصد آن در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها بوده است. آمار واقعی اعتراضات چندین برابر این رقم است. گزارش کاپیتورن فقط اعتراضاتی را در پر میگیرد، و آنهم بخشی از آنها، که انعکاس بیرونی یافته است. در دو سه سال اخیر اعتراضات کارگری به بیرون محوطه کارخانه کشیده شده است. تحصن در مقابل مراکز دولتی، بستن شاهراه ها، راهپیمایی در خیابانها، و در ماههای اخیر تجمع دائمی در مقابل مجلس اسلامی اشکال تازه مبارزه کارگران است.

فساد مالی و شکاف طبقاتی

فساد مالی بطور بیسابقه ای تار و پود حکومت را دربرگرفته است. مقامات در حال انتقال رقمهای بزرگ پول به حسابهای شخصی خود در بانکهای سوئیس و آلمان هستند. بدلیل شکاف حاد در میان جناحها، روزانه انبوهی از سوء استفاده های کلان مالی توسط دولتمردان افشا میشود، "امپراطوریهای" مالی که مشغول انتقال ارز هستند و دزدیهای صدها میلیونی توسط "آقازاده ها"، روسا و مدیران صنایع عظیم دولتی و نیز توسط اشخاص با نفوذ در بخش خصوصی هر روز در روزنامه های وابسته به حکومت درج میشود. شکاف طبقاتی بطور باور نکردنی عمیق تر شده است. روزنامه حیات نو وابسته به حکومت در اواخر آوریل امسال نوشت که ۴۰ هزار نفر ۱۲ درصد و ۲۶ میلیون نفر تنها ۹ درصد تولید ناخالص را صاحب میشوند. و این البته آمار دولتی است که نمیخواهد همه واقعیت را برملا کند. موریس کاپیتورن نیز در گزارش خود مربوط به سال ۲۰۰۰ بر اساس

از صفحه ۱ از کارگران شادانپور و جامکو...

اسلامی را نشانه گرفته اند. این دولت است که ۲۲ سال از کارفرماها حمایت کرده و مبارزات برحق ما را سرکوب کرده است. این دولت است که بیدریغ از سرمایه داران خصوصی و دولتی حمایت کرده و ما را به اوج فقر و تنگدستی رانده است. این جمهوری اسلامی است که میلیون میلیون به سرمایه داران و مدیران شرکتها سوسید و اعتبار داده است، قانون کار را برای آنها نوشته است و در مقابل بیحقوقی کاملی را به ما تحمیل کرده است.

رفقای کارگر در مراکز کلیدی

حزب کمونیست کارگری ایران قاطعانه از مبارزات کارگران حمایت میکند و کمپین وسیعی را برای جلب حمایت و همستگی بین المللی سازمانهای کارگری با مبارزات کارگران در ایران فرا خوانده است.

زنده باد اتحاد سراسری کارگران آذر مدرسی

رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران ۲۸ تیرماه ۱۳۸۰

از صفحه ۱ قتل زنجیره ای در مشهد ۰۰۰

اسلامی، دادن همین صفات به این قربانیان کافیسیت تا از قاتلین با احترام یاد شود. علت سکوت و اکنون توجیه این قتل ها در همین دو صفت نهفته است. در

زن ستیزی و ارتجاع سیاهی که جمهوری اسلامی بر جامعه حاکم کرده ریشه دارد. ناشی از عقب ماندگی و فرهنگ پوسیده و متعفن است که این حاکمان تهی مغز و بیمار بر جامعه حاکم کرده اند.

روزنامه آفتاب یزد مینویسد: "عاملان این جنایت مسلما برداشت صحیحی از احکام اسلام نداشته و ندارند. اگر اتهام درست است کار خود حکومت است که نسبت به موضوع تعیین تکلیف نماید." این اوج اعتراض جریانات "اصلاح طلب" به این کشتار فجیع و ضد بشری است. باید از این عالیجنابان شجاع و جسور پرسید آیا اگر این زنان بخت برگشته با این صفتهایی که در روزنامه ها به آنها نسبت داده

اسلامی راه حلی ندارد. مقامات حکومت از ظرفیت بالقوه تبدیل شدن این اعتراضات به یک شورش سراسری کارگری ابراز نگرانی میکنند. از نظر کارگران و دهها

میلیون مردم محروم بطور واقعی راهی جز سرنگونی حکومت بعنوان پیش شرط هرگونه بهبودی در شرایط زندگی مردم متصور نیست. ■

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

گفتگو با بهروز مدرسی، دبیر سازمان جوانان کمونیست

درباره برگزاری اولین کنگره علنی سازمان



ایرانی و ایرانی پرستی برای حفظ بنیادهای سرمایه دارانه، استشمارگرانه و ظالمانه میخواهند جنبش جوانان را "مهاری" کنند. با پرچم تبعیض اینها نمیتوان به جنگ تبعیض جمهوری اسلامی در ایران رفت.

این جنگی شکست خورده برای جوانان و مردم در ایران خواهد بود. پرچی که از هم اکنون روی آن میانی به بند کشیدن دوباره جامعه حک شده است.

در مقابل همه اینها ما میخواهیم جوانان رادیکال، چپ، آزادیخواه و سرنگونی طلب را متحد و متشکل کنیم. گرایش چپ و سوسیالیست، در میان جوانان، گرایشی به غایت قوی است. این گرایش میتواند و باید متشکل شده، خود را سازمان دهد و رهبری مبارزات جوانان را در همه عرصه ها بدست بگیرد. میدان، میدان ماست. به کم نباید رضایت داد. باید مبارزیمالیست بود و هوشیارانه از هر امکانی برای گسترش و سازماندهی مبارزاتمان استفاده کنیم. ما باید به عنوان جوانان و دانشجویان کمونیست و چپ راسا به سراغ مسایل و خواسته هایمان برویم. میدان را به هیچ نیرو و گرایشی که میخواهد آن را به انحراف بکشاند نداده جنبش دخالت موثر و مستقیم داشته باشیم.

کنگره اول سازمان تلاش و فراخوان به همه جوانان است که به سازمان جوانان کمونیست پیوندند و به دور پرچم آن، پرچم آزادی و برابری انسانها، گرد آیند. باید برای سرنگون کردن رژیم اسلامی و برپائی جامعه ای انسانی صفوفمان را متحد کنیم. ■

فرهنگی، مذهب گریزی، آزادی به معنای وسیع کلمه، جدایی دین و مذهب از زندگی مردم، رفاه همگانی، برابری کامل زن و مرد، اینها جنبه های مهم آرزوها و مطالبات جوانان است. این آرمانها و مطالبات جوانان در ایران با نفس حیات جمهوری اسلامی ناسازگار است. جمهوری اسلامی با هر رنگ و بو و قیافه ای، گنبدیده است. دمل و سدی چرکین در برابر جوانان و خواسته های آزادیخواهانه و برابری طلبانه شان است. و باید برود. سازمان دادن و متحد کردن این نیرو، فلسفه وجودی سازمان جوانان کمونیست است. ما برای متحد کردن و بسیج همه جوانان مشتاق آزادی و برابری و رفاه انسانها، به گرد پرچم کمونیسم کارگری، برای به میدان آوردن آنان تلاش میکنیم. از طرف دیگر در جنبش جوانان و دانشجویی گرایشات مختلفی در ماههای گذشته "اعلام موجودیت" کرده اند. همه اینها به نحوی تلاش دارند که مبارزات و خواسته های جوانان را "تخفیف" داده و آنرا به بیراهه بکشاند. بند ناف خیلی از آنها هنوز به جمهوری اسلامی وصل است. اینها حرفی از برابری زن و مرد، جدایی مذهب و اسلام از همه شئون زندگی، رفاه و آسایش انسانها، آزادی بی قید و شرط سیاسی و ... نمیزنند. و یا جریانات دیگری که با پرچم

کارگری ایران در خارج کشور میدان را به جمهوری اسلامی تنگ کرده و در افکار عمومی، تلاشهای دولتهای غربی برای بزرگ کردن جمهوری اسلامی را به بن بست بکشانیم و سیمای جنایتکارانه جمهوری اسلامی را به نمایش در آوریم. مبارزات جوانان و دانشجویان در ایران توانست در خارج کشور از انعکاس خوبی برخوردار شود. ما توانستیم در مواردی همبستگی فعال جوانان کشورهای مختلف را به مسائل و خواسته های جوانان در ایران جلب کنیم. از میان آنها میتوان به شرکت و دعوت نمایندگان سازمان در فستیوالهای جهانی جوانان در الجزایر و آلمان اشاره کرد. از جمله فعالیتهای دیگر راه اندازی سایت اینترنت و پخش برنامه رادیویی صدای سازمان جوانان از رادیو انترناسیونال که روزهای شبیه پخش میشود، است.

این فعالیتهای باعث شد توجه بخش قابل ملاحظه ای از جوانان و دانشجویان چپ و رادیکال به ما جلب شود. ما را به عنوان یک جریان چپ، رادیکال، آزادیخواه و برابری طلب میشناسند. تعداد زیادی از جوانان و دانشجویان از شهرها و دانشگاههای مختلف کشور با ما تماس گرفته و برای تعیین سیاست در قبال مسائل مختلف از جمله دوم خرداد ها و دفتر تحکیم، چگونگی تشکل دانشجویان سرنگونی طلب با ما در ارتباط و مشورت هستند.

هفتگی: مطالبات جوانان ایران چیست و سازمان جوانان کمونیست چه نقشی برای خود در مبارزات نسل جوان قائل است؟
بهروز مدرسی: یک جوان در ایران در واقع دیده و فهمیده است که به عنوان یک انسان در قرن بیست و یکم میشود بهتر، انسانی تر و آزادتر زندگی کند. مدرنیسم، خلاصی

علاوه بر این روتین، اهمیت این کنگره مربوط است به اوضاع سیاسی حاضر در ایران و وظایفی که سازمان جوانان کمونیست در قبال این اوضاع دارد. این کنگره در شرایطی برگزار میشود که اعتراضات روزمره کارگران، جوانان و دانشجویان آزادیخواه مرتباً رو به افزایش است و دور سازمانهای دوم خردادی (نظیر دفتر تحکیم وحدت، مشارکت اسلامی و ...) در جنبش جوانان و دانشجویی پایان میرسد. زمینه رشد و گسترش گرایش آزادیخواهانه و چپ و سرنگونی طلبی آماده تر شده و کمونیسم کارگری دارد هرچه بیشتر به یک واقعیت زنده، موثر و دخیل در تحولات سیاسی ایران تبدیل میشود. برگزاری کنگره توجه کل فعالین آنرا به اهمیت شرایط حاضر و ایفای نقش سازمان جلب میکند.

هفتگی: سازمان جوانان کمونیست از زمان تشکیل تا کنون، چه کارهای مهمی انجام داده و رشد آن و تماس با آن در داخل و خارج چگونه است؟

بهروز مدرسی: سازمان جوانان کمونیست در دسامبر سال ۱۹۹۹ رسماً آغاز بکار کرد. مبارزه با جمهوری اسلامی و همبستگی با جنبش جوانان و دانشجویان در ایران یکی از محورهای اصلی فعالیتهای اعضا، و واحدهای سازمان در خارج کشور بوده که در مقاطع مختلف اشکال متنوعی بخود گرفت: تظاهراتها، کمپینها و پیکتهای فعالین سازمان به مناسبتهای ۱۸ تیر، اعتراضات جوانان در آبادان، بر علیه اعدام و دستگیری جوانان و فعالین آنها، کنفرانس برلین و اعتراض به حضور و دعوت از خاتمی از طرف دولت آلمان، فراری دادن نمایندگان و سفیر جمهوری اسلامی در شهرهای لایپزیک و سویاکو آلمان، مراسمهای ۸ مارس در سوئد و بالاخره مقابله با مضحکه انتخابات ریاست جمهوری، و برگزاری مراسمهای همبستگی با جوانان در ایران. ما توانستیم در کنار و همراه حزب کمونیست

هفتگی: قرار است سازمان جوانان کمونیست اولین کنگره خود را در روزهای ۲۷ تا ۲۹ ژوئیه بطور علنی برگزار کند. لطفاً درباره دستور جلسه این کنگره و اهمیت آن توضیحاتی بدهید.

بهروز مدرسی: سازمان جوانان کمونیست، سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران است. بر اساس بیانیه تشکیل آن بایستی امسال کنگره اول برگزار شود. قریب یکسال از عمر سازمان جوانان کمونیست میگذرد، یکسال که باید به آن برگشت، نگاه کرد و برای آینده برنامه ریخت. یکسال که سازمان جوانان کمونیست فعالیتهای مهم و متنوعی را انجام داد و واحدهای سازمان در خارج کشور اعلام موجودیت کردند و بسیاری از دانشجویان و جوانان رادیکال، چپ و سوسیالیست از شهرهای ایران و دانشگاهها خود را با ما تداعی کرده و تماس گرفتند. در این کنگره اعضا و نمایندگان سازمان از کشورهای آلمان، سوئد، انگلستان، نروژ، فنلاند، هلند و دانمارک شرکت دارند. علاوه بر آن تعداد زیادی به عنوان ناظر در کنگره شرکت خواهند داشت. متأسفانه بدلیل حیات جمهوری اسلامی و دستگاههای سرکوبگر آن، نمایندگان و جوانان زیادی که در طول سال گذشته از شهرها و دانشگاههای مختلف ایران با ما تماس گرفتند، نمیتوانند در کنگره شرکت داشته باشند. در این کنگره فعالیتهای یک سال گذشته سازمان بر اساس گزارش هیات اجرایی موقت سازمان مورد بررسی قرار گرفته و سیاستهای دور آتی سازمان در قبال اوضاع سیاسی ایران، جنبش جوانان و دانشجویی به بحث گذاشته خواهد شد. کمیته مرکزی سازمان نیز از طرف کنگره انتخاب خواهد شد. این کنگره در واقع اولین کنگره روتین سازمان جوانان کمونیست میباشد.

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج 0044-771 4097928

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان:

0046-739 855 837

مریم نمازی: روابط عمومی حزب

Tel: 00447719166731 - Fax: 00448701351303

شهلا دانشفر: دبیر خانه حزب 00447950517465

لاله طاهری، مسئول دبیرخانه کمیته کردستان:

0046 73 61 62 211

بهروز مدرسی - دبیر سازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

"بحران کارگری" در برابر مجلس!

مصطفی صابر



خشم انسانی از فقر، گرسنگی، بیکاری، فحشاء، تحقیر، تبعیض، بی حقوقی، اعدام، سنگسار، جنایت، از حاکمیت

اسلام و حکومت کثیف و خونخوار آن باشد. "بحران کارگری" تهدید سرنگونی را در برابر اینها میگیرد. شیخ کمونیس را در خیابان ها به گشت و گذار در می آورد.

همه از یکدیگر می پرسند که "آیا این حرکات سیاسی است؟" و بهمیدگر جواب میدهند "فعلا صنفی است" و فوراً اضافه میکنند که "میتواند سیاسی بشود" و "کلاس درس بحران" برای یکدیگر میگذارند.

برای دفع شبی که در پس این "اعتراضات اقتصادی" نهفته است، جناح های مختلف جمهوری اسلامی از یکسو برای "اعتراض ما فقط صنفی است" هورا میکشند، از سوی دیگر اتفاقاً برای سیاسی کردن و سیاسی جلوه دادن اعتراض کارگران در چهارچوب "نظام" و دعوای خود تلاش میکنند. هر جناح میخواهد همسوئی خود را با کارگران نشان بدهد و عدم پرداخت ماهها حقوق را به گردن آن دیگری بیندازد. "عبدی" از یکسو میکوشد تا اعتراض کارگران را به حساب "توسعه سیاسی" دوم خرداد و اینکه "جامعه ما در حال برخورداری از آزادیهایی است که قبلاً وجود نداشته، بگذارد. از سوی دیگر ردیلا نه میگویی: "شینده ام اینها (یعنی اعتراضات کارگری) بازی هایی است برای آنکه برخی کارخانه دارها می خواهند وام کم هزینه دریافت کنند." شکوری راد" ضمن اینکه میکوشد حضور کارگران در برابر مجلس را "دادخواهی" و "پناه آوردن" و نه اعتراض قلمداد کند در عین حال کارگران را تشویق میکند که "جای مناسبتری برای اعتراض خود" (و منظور او بنیاد مستضعفان است که دو کارخانه جامکو و شادان پور را به بخش خصوصی واگذار کرده است) بیابند. کیهان جناح راستی که بزرگترین تیتیر خود را به

اعتراض کارگران در برابر مجلس و تصمیمات رئیس مجلس اختصاص داده، به سخنان شکوری راد اعتراض میکند. کیهان میکوشد تا کارگران را همان "بندگان مسلمان و مستضعف خدا" تصویر کند که "حسین حسین شعار ماست" سر میدادند، "نماز جماعت ظهر روی چمن ها به جا آوردند"، و به گرسنگی خود و به "بی توجهی مجلس دوم خرداد به اقتصاد" اعتراض دارند! البته این تلاشها با تکیه بر یک فعالیت دائمی پلیسی امنیتی بسیار وسیع و گسترده علیه کارگران و کمونیست ها صورت میگردد، که از حراست و انجمن و شورای اسلامی کارخانه شروع میشود و به ستادهای ویژه وزارت اطلاعات و وزارت کار و سپاه و دفتر ریاست جمهوری و شورای امنیت ملی و سرانجام "بیت رهبری" ختم میشود.

علیرغم اینها، تبدیل شدن "بحران های کارگری" به یک بحث داغ سیاسی روز، طرح اعتراض کارگری در سطح جامعه چنانکه هیچ رسانه ای، هیچ ژورنالیست و نیروی سیاسی نتواند در قبال آن خود را به نفهمی بزند، دستاوردی بود که بیش از همه با اعتراض کارگران جامکو و شادان پور تداعی میشود. در واقع اکنون چندین ماه است، بویژه از اول مه امسال به اینسو، که جامعه ایران منتظماً با اعتراضات رادیکال کارگران و زدوخورده خیابانی آنها با نیروهای رژیم مواجه است. این اعتراضات، کارگران را بطور عینی تری به یک فاکتور تحولات سیاسی تبدیل کرده است. این قبل از هر چیز به کل طبقه کارگر، بویژه بخش هایی که با مساله مرگ و زندگی عدم دریافت دستمزد روبرویند اعتماد به نفس بیشتری برای اعتراض و اخذ طلبهای خود می بخشد. اما همین اعتراضات بر ضرورت

اتحاد و بازهم اتحاد تاکید میگذارد. کارگرانی که با تعویق دستمزدها روبرویند فقط وقتی میتوانند در این جنگ برای بقا، پیروز شوند که نیروی هرچه وسیعتری را در مقابل جمهوری اسلامی قرار دهند. اقدام متحد کارگران نساجی های اصفهان در اول مه امسال و چند حرکت دیگر، و حالا حرکات متحد کارگران دو کارخانه در تهران، نشان میدهد که میشود بخش قابل توجهی از کارگران آن ۵۰۰ واحد تولیدی (یا بقولوی ۳ هزار واحد کوچک و بزرگ) را در یک جا و یک محل و با یک خواست، یعنی پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، گرد آورد. چنین حرکتی می تواند کل معادلات را به نفع کارگران و به زیان جمهوری اسلامی تغییر دهد. اما پیروزی پایدار بدون آنکه کارگران شاغل وارد میدان شوند، قابل تصور نیست. یک سلاح مهم طبقه کارگر اعتصاب و بویژه اعتصابات عمومی و سراسری است. کارگرانی که اکنون با عدم پرداخت دستمزد روبرویند، از این سلاح محروم اند. این سلاح در دست کارگران نفت، ذوب آهن، اتومبیل سازیها، راه آهن و آب و برق و غیره است. اگر اعتراضات اخیر کارگران جامکو و شادان پور بتواند در محافل و اجتماعات و مجامع عمومی کارگران و در بین رهبران عملی به تحرکی حول چگونگی عمل متحد و طبقاتی دامن بزند، و زمینه های اتحاد وسیعتر را فراهم آورد، یک قدم بزرگ به جلو خواهد بود. کارگران به این اتحاد نه فقط برای نقد کردن دستمزدهای معوقه و بهبود فوری اوضاع معیشت خود، بلکه بویژه برای دخالت در اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران نیاز دارند. کارگران برای تامین یک زندگی انسانی و آزاد باید نه فقط علیه جمهوری اسلامی که علیه کل مناسبات اقتصادی حاکم قد علم کنند و برای نجات خود، کل جامعه را نجات دهند. همه اینها یعنی اینکه کارگران باید وسیعاً و سریعاً حول بخش کمونیست خود متشکل شوند!

انجمن مارکس لندن

رود برای عموم آزاد است

شنبه ۲۱ ژوئیه - ۱۲ تا ۵ بعد ازظهر

انقلاب روسیه ۱۹۱۷-۱۹۲۷ بررسی تحلیلی جلسه اول: زمینه های انقلاب، انقلاب فوریه و از فوریه تا اکتبر

کورس مدرسی

آدرس: لندن

The York
82 Islington High St.X
جنب ایستگاه Angel

لطفا راس ساعت ۱۱/۳۰ در محل حضور بهم رسانید و رودیه ۵ پوند

رود کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال اکیدا ممنوع است لطفا دوربین و ضبط صوت همراه نیاورید

Tel: 0771 461 1037 Fax: 0870 133 4206
Email: marx society@yahoo.com
Website: www.marxsociety.com

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org www.jawanan.org
www.wpi briefing.com www.iwsolidarity.com
www.rowzane.com www.medusa2000.com
www.hambastegi.org www.marxsociety.com
www.childrenfirstinternational.org www.kvwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England